



انترناسیونال

۱۱۳

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۲۰ آبان ۱۳۸۴، ۱۱ نوامبر ۲۰۰۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



به استقبال یک ۱۶ آذر سرخ برویم

شهلا دانشفر

به جمهوری اسلامی و به این نظام
تبعیض و نابرابری است. دو سال
قبل با بلند شدن پلاکاردهای سرخ
صفحه ۲

۱۶ آذر، روز دانشجو، روز آزادی و
برابری است. روز نه بزرگ کل جامعه

اعتراض کارگران در برابر مجلس اسلامی صفحه ۴

جنایتکاران اسلامی سر ۳ دختر دانش آموز در اندونزی را از تن جدا کردند

صفحه ۴

شورش جوانان در فرانسه

اعلام وضعیت فوق العاده در مناطق
بروز این شورش ها، همچنان ادامه
دارد. احتمال تکرار
رویدادهای مشابه در
سایر کشورهای
اروپائی، کابوسی برای
دولت های آنها شده
است.



فرار از دست پلیس به یک ایستگاه
برق فشار قوی پناه بردند و آنجا دچار

اعتراضات گسترده جوانان در فرانسه
یک انفجار عظیم اجتماعی بر علیه

تبعیض، فقر، خشونت
پلیس و دولت، بی
عدالتی، و نداشتن آینده
ای روشن است که نزدیک
به دو هفته است که این
کشور را فرا گرفته است.
جرقه این انفجار
اجتماعی که از مناطق
فقیر نشین حومه پاریس
شروع شد و به مناطق
دیگر فرانسه نیز سرایت

نه اعلام حکومت
نظامی در قلب
خیابانهای فرانسه، و
نه "آزاد و اوپاش"
خواندن تظاهرکنندگان

هیچکدام نمی تواند بر این
صفحه ۴

برق گرفتگی شده و به طرز فجیعی
کشته شدند. این اعتراضات علیرغم

کشته شدن دو نوجوان بود.
گفته می شود این دو نوجوان برای

یک تصمیم شجاعانه و انسانی در مقابل آدمکشان دولت اسرائیل و تروریستهای اسلامی!

احمد اسماعیل خطیب، یک کودک فلسطینی بدست نیروهای اسرائیلی کشته شد

پدر کودک، اعضای بدن او را به کودکان اسرائیل اهدا کرد

پدر احمد اعلام کرد: نجات زندگی انسانها بسیار مهمتر از مذهب است!



نادیا انجمن

شاعر جوان افغانستانی

به دست همسرش به

قتل رسید!

مینا احلی

صفحه ۳

اسحاق فرانکنثال یک پدر از کشور اسرائیل که پسرش
در حمله تروریستهای اسلامی کشته شده گفت:

"اینجا در خاور میانه از یاد برده ایم که همه انسان
هستند. بین فلسطینی و اسرائیلی هیچ فرقی
نیست. از دست دادن فرزند آخر دنیاست، آخر
زندگی است. من پسرم اریک را از دست دادم،
یازده سال قبل، آن موقع نوزده سال و نیمش بود و
از آن وقت تا به حال زندگی من هرگز مثل قبل نبوده. نمی تواند
باشد. باید بگویم که پدر احمد که اعضای بدن پسرش را هدیه کرده
آدم خیلی خیلی متفاوتی است. او مرد بزرگی است. من به ملاقاتش
رفتم و دردش را حس کردم. درد از دست دادن پسر چه ای ۱۲ ساله که
باید یک زندگی خوب می کرد."



احمد اسماعیل خطیب

پدر احمد در توضیح تصمیمش گفت:

"دلیل اهدای اعضای بدن پسرم به بچه های دیگر،
به خصوص بچه های اسرائیلی، این است که می
خواستم پیام صلح و عشق برای تمام کسانی که
عاشق صلح هستند باشد. همه شاخه زیتون را به
عنوان مظهر صلح می کارند. من اعضای بدن
پسرم را در کودکان اسرائیلی کاشتم و این برای من
مظهر صلح است. من از تصمیم خود برای کمک به کودکان
اسرائیلی کاملاً سربلند هستم هرچند ممکن است برخی از محافل
فلسطینی از این کار من عصبانی باشند."

کارگر کمونیست
۲۱
منتشر شد
www.wpiran.org/kk-index.htm

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ به استقبال یک ۱۶ آذر سرخ برویم



آزادی برابری، بر سر درب دانشگاه تهران رنگ جدیدی به این روز زده شد و این خود سرآغاز تاریخ جدیدی برای شناسایی این روز شد. سال گذشته بالاترین پلاکارد نان آزادی برای همه، بیش از پیش رنگ سرخ و رنگ سوسیالیسم را به این روز زد و امروز این چپ و کمونیسم است که هژمونی سیاسی این روز را بدست گرفته است و بطور واقعی می‌رود که به سخنگوی کل جامعه تبدیل شود و در این روز آزادی و برابری را فریاد می‌زند.

واقعیت اینست که آزادی برابری! خواست کل جامعه است و امروز بیش از همیشه روشن است که ۱۶ آذر نه تنها روز دانشجو بلکه روز کارگر، روز معلم و روز تمامی بخش های جامعه است. روز اعتراض وسیع عمومی علیه جمهوری اسلامی و این نظام بردگی و نابرابری است. باید این روز را گرامیداشت. باید به استقبال برپایی هر چه با شکوهرت این روز رفت و از هم اکنون شکل دادن به این اعتراض وسیع و گسترده علیه جمهوری اسلامی را تدارک دید.

بعلاوه ۱۶ آذر روز همبستگی جنبش دانشجویی با جنبش کارگری، جنبش معلمان و جنبش زنان و دیگر جنبش های اعتراضی موجود در جامعه است. ما این همبستگی را در قطعنامه های اعتراضی دانشجویان در این چند ساله و نیز در پلاکاردهایی که برافراشته شد و در شعارها و طرح خواستههایشان دیده ایم. دو سال پیش در این روز بود که دانشجویان با بلند کردن پلاکاردهایی در حمایت از جنبش معلمان و کارگران این همبستگی با شکوه را به نمایش گذاشتند و شعارهای نه به حجاب اجباری، نه به پوشش اجباری و نه به آپارتاید جنسی همه و همه آن حلقه های محکمی بود که این جنبش را به جنبش مبارزه

در آستانه ۱۶ آذر باید همه جا رنگ این روز را به خود بگیرد

اکنون که به ۱۶ آذر نزدیک میشویم باید با نوشتن شعارهایمان بر در و دیوار و در تمامی شهرها کاری کنیم که همه جا رنگ و بوی این روز را بخود بگیرد. رنگ و بوی روز آزادیخواهی، روز اعتراض، روز مبارزه و بر در و دیوارها بنویسیم، زنده باد آزادی، زنده باد برابری. بنویسیم مرگ بر جمهوری اسلامی. آرم حزب را بر دیوارها نصب کنیم و فضای ۱۶ آذر فضای همبستگی و مبارزه را در کل جامعه دامن بزنیم. در هر کجا که هستیم در مورد اهمیت برپایی با شکوه این روز و همبستگی با اعتراضات دانشجویان سخن بگوییم و وسیعا به اجتماعات دانشجویان در این روز بپیوندیم.

قطعنامه های ۱۶ آذر کيفر خواست دانشجویان

باید از هم اکنون قطعنامه هایمان را برای ۱۶ آذر آماده کنیم. قطعنامه هایی که کيفرخواست دانشجویان و بیان فوری خواستههایشان باشد. بویژه امسال در شرایطی که ما شاهد جانباختن آزاده وظیفه دوست دانشجوی دانشگاه آزاد در سازه بدست اوباش حزب الله و بخاطر تحمیل حجاب اسلامی بر دانشجویان دختر هستیم، باید یک بند قطعنامه ها و بیانیه های ما در این روز محکوم کردن این جنایت و شناسایی و محاکمه مسببین قتل آزاده وظیفه دوست باشد. همچنین باید در قطعنامه هایمان بر خواستههای آزادی فوری دانشجویان دستگیر شده و آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، لغو حجاب اجباری، لغو آپارتاید جنسی، خروج فوری نیروهای انتظامی از دانشگاهها، حق تشکل، حق برپایی آزادانه اجتماعات، حق آزادی بیان و برخواست رفع سانسور و خفقان و تفتیش عقاید و دیگر خواستههایمان تاکید کنیم و همچنین اعلام کنیم که ما خواهان امکانات زیستی و تحصیلی انسانی و برابر برای کلیه دانشجویان هستیم.

تنها با انکا به مگانیم های اجتماعی مبارزه میتوان یک ۱۶ آذر با شکوه را سازمان داد

۱۶ آذر را باید به روز اعتراض وسیع علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

هر سال سنتا دانشجویان در تهران و در شهرهای مختلف در مقابل دانشگاهها تجمع میکنند، امسال نیز باید این سنت را به کار گرفت و از هم اکنون در تدارک اجتماعی بزرگ در مقابل دانشگاهها در تهران و در همه شهرها بود. در تهران مقابل دانشگاه تهران باردیگر باید سرخ آزادی برابری و زنده باد سوسیالیسم باشیم. برای برپایی چنین اجتماعات بزرگی باید در هر جا که هستیم در اتوبوس و تاکسی و در میان دوستان و اقوامان از برپایی با شکوه این روز و اهمیت آن سخن بگوییم و از همه بخش های جامعه بخواهیم که به تجمعات ما در این روز در مقابل دانشگاهها بپیوندند. باید با پخش تراکتهایمان در اماکن عمومی و در میان مردم و نصب آنها در تابلوهای اعلانات و انعکاس آنها در سایتهای خبری اهمیت این روز را برای کل جامعه یادآور شویم و همه مردم را به شرکت وسیع در این تجمعات فراخوانیم. خلاصه کلام اینکه باید از همه مکانیزم های اجتماعی، از پخش تراکت گرفته تا استفاده از سایت های خبری و استفاده از رادیو انترناسیونال و تلویزیون کانال جدید و غیره و غیره خبر برگزاری این روز را به گوش کل جامعه برسانیم و از همه بخش های جامعه بخواهیم که وسیعا در اجتماعات روز ۱۶ شرکت کنند.

۱۶ آذر را به روز اعتراض عمومی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم

امسال ما در شرایطی به استقبال ۱۶ آذر میرویم که بیش از هر وقت جامعه در التهاب مبارزه میسوزد. دانشگاهها پر از اعتراض و مبارزه است. وضع ناسامان دانشگاهها، وضع ناسامان خوابگاهها، فشارهای اقتصادی از جمله مشکلات جدی دانشجویان است. از سوی دیگر فشار برای حجاب اجباری، تلاش برای پیاده کردن طرح های جداسازی به اعتراضات دانشجویان شدت داده است. قتل آزاده وظیفه دوست در دانشگاه آزاد سازه بر ابعاد این اعتراضات افزوده است. در کنار اعتراضات فزاینده در دانشگاهها، محیط های کارگری به

حال انفجاری در آمده است و تنها در سه ماهه اول سال جاری بیش از دو هزار حرکت و اعتراض کارگری روی داده است و در يك کلام همه بخش های جامعه مملو از اعتراض و مبارزه است. ۱۶ آذر امسال میتواند به يك روز اعتراض وسیع از سوی تمام بخش های جامعه و روز همبستگی در میان جنبش اعتراضی دانشجویان و دیگر جنبش های اجتماعی موجود در جامعه تبدیل شود. ۱۶ آذر میتواند روز کيفرخواست جامعه علیه سرکوبهای رژیم و جنایاتش باشد. میتواند روزی باشد که شعار آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی بر فضای همه شهرها طنین بیندازد. باید به استقبال چنین روزی رفت. باید این روز را به روز اعتراض عمومی و به روز همبستگی کل جامعه تبدیل کرد. این را باید در پلاکاردهایی که در این روز به دست گرفته میشود و در قطعنامه های دانشجویان در ۱۶ آذر و حمایت آنها از اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران و کل جامعه دید. این را باید در حمایت وسیع از طومار اعتراضی کارگران برای خواست ۴۵۰ هزار تومان و پلاکاردهای حمایت از این خواست و اعتراض دید. این را باید در پیامهای همبستگی بخش های مختلف جامعه از اعتراضات دانشجویان و خواستها و مطالباتشان دید. باید فعالین کارگری، فعالین جنبش های اعتراضی دیگر از هم اکنون با تدارک چنین همبستگی مبارزاتی ای به استقبال ۱۶ آذر و پیوستن به اجتماعات دانشجویان در این روز بروند.

باز هم تاکید میکنم که ۱۶ آذر روز همه ماست. روز کارگران، روز معلمان، روز زنان و روز آزادیخواهی و برابری برای همه جامعه است. در این روز ما کارگران، ما معلمان، ما زنان و ما پرستاران و ما همه مردم، باید با پیامهای همبستگی خود در اجتماعات ۱۶ آذر در مقابل دانشگاهها شرکت کنیم و با پشتیبانی از قطعنامه ها و خواست های دانشجویان اعلام کنیم که ۱۶ آذر روز همه ماست. روز نه بزرگ ما به جمهوری اسلامی و به تبعیض و نابرابری است. زنده باد ۱۶ آذر!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نادیا انجمن، شاعر جوان افغانستانی به دست همسرش به قتل رسید!



ارتجاعی و مسلح اسلامی، موقعیت مردم و زنان را تعیین کرده اند. اصلا حکومت مزبور، حکومت همین باندهای ارتجاعی است.

در این کشور اعتراضات مترقی و آزادیخواهانه، میتینگ زنان بر علیه حجاب، اعتراض مردم برای رفاه و زندگی بهتر با گلوله و سرکوب پاسخ می‌گیرد. در این کشور کماکان به مدارس دخترانه حمله میکنند و کماکان سنگسار جزو قوانین رسمی مملکت است. در این کشور زن بنا به تعریف حکومت، نیمه انسان است و حضور چند زن محجبه و مرتجع در مقامات دولتی به درد حضور در مجامع بین المللی می‌خورد که اسلامی بودن افغانستان و مسلمان بودن "زنان" در افغانستان را تایید کنند. در این کشور وقتی زن در خانه مورد تجاوز و بی حرمتی است، جایی نیست که پناه ببرد، چرا که حکومت در دست باندهایی است که سیستماتیک زنان را سرکوب میکنند.

برای مقابله با قتل خانگی، برای مقابله با خشونت خانگی باید دولتی و سیستمی بر سر کار باشد که هر نوع بی حرمتی به زن را فوراً و با حساسیت کامل پاسخ بدهد. برای مقابله با سنتهای ضد زن و عقب مانده باید در ابعاد اجتماعی به جنگ باورها و عقاید و رفتارهایی رفت که حرمت انسان را زیر پا می‌گذارند و این فقط از عهده سیستمی و جامعه‌ای بر می‌آید که خود به این ارزشها متکی باشد.

در افغانستان و ایران باید به جنگ اسلام سیاسی و دولتهای فاشیست و ضد زن اسلامی رفت و همگام با آن به جنگ سنتها و باورهای که زن را به عنوان انسان قبول نداشته و حرمت او را زیر پا

سیاست دولتها و منافع ارتجاعی پشت پرده آنها چیز دیگری نیست. سازمان مدافع حقوق زنان که نقش باندهای ارتجاعی اسلامی و دولت اسلامی و قوانین زن ستیز آنرا لاپوشانی می‌کند، سازمانهایی مدافع حقوق انسانی که فقط سنتهای مردم و عقب ماندگی آنها را علت اصلی این جنایتها در افغانستان قلمداد میکنند، به چشم مردم خاک می‌پاشند. ما قیل از فرار طالبانها از افغانستان هم با همسوی سازمانها و با همین تزه‌هایشان مواجه بودیم. ما در مقابله با سنگسار، در مقابله با حجاب اسلامی و در مقابله با قوانین شریعه در کانادا، با این سازمانها و تزه‌های رنگارنگ آنها مبنی بر دفاع از نسبیت فرهنگی، پرده پوشی نقش غرب و اسلام سیاسی و آوانس دادن به سیاستهای ارتجاعی و ضد زن مواجه بودیم.

واقعیت اینست که بعد از حمله امریکا و متحدین آن به افغانستان و مخوف و قرون وسطایی جنایت در افغانستان که اتفاقاً ساخته دست و همکار و یار دیرین دولتهای غربی و امریکا بود، همین دولتها به جریانات اسلامی آوانس داده و با تقسیم مردم به قوم و ملیت و وابستگی به مذاهب و حساباندن داغ "مسلمان" به پیشانی میلیونها نفر، و با دفاع از عقب مانده ترین نیروها در افغانستان به رنج و درد مردم در این کشور دوام و بقا دادند.

افغانستان امروز درگیر یک حکومت دست ساز متشکل از نیروهای مرتجع و عقب مانده است که با مشروعیت دادن به مذهب اسلام و دخالت آن در زندگی مردم و با باز گذاشتن دست نیروهای

نیست و سیاست دولتهای غربی و یا باندهای سپاه ارتجاعی و اسلامی و اسلام سیاسی در این میان مطرح نیست، بلکه مجدداً سراغ مردم رفتند و آنها را بدلیل "سنتهای عقب مانده اش"، علت اصلی وخامت وضع زنان در افغانستان اعلام کردند. این یک دروغ بزرگ و بیشرمانه در توضیح علت موقعیت فعلی زنان در افغانستان است. قتل نادبای جوان ظاهراً در محدوده خانواده و به دست همسرش، میتواند بعنوان تایید دیگری باشد بر تزلزل مقصر بودن خود مردم در افغانستان. و به طور قطع برای جا انداختن این دروغ بزرگ مورد سو استفاده قرار خواهد گرفت.

اما نه این قتل فقط در محدوده یک خانواده و بدون بررسی دنیای بیرون از چهار دیواری خانه، قابل بررسی صحیح است و نه موقعیت زنان در افغانستان بدون توجه به فاکتورهای اساسی و عمومی و سیاسی در افغانستان و دنیای بیرون از آن، سیاست دولتهای غربی و نقش اسلام سیاسی قابل بررسی است.

مردسالاری و شوینیسیم، بهترین تکیه گاه و مدافع خود را در اسلام و مذاهب و در روش و سیاستهای جریانات تروریست اسلامی پیدا میکنند. سنتهای عقب مانده در جامعه، در ایران و افغانستان، در مقابل و با سرکوب سنتهای پیشرو، به شکل قانون در آمده و بنا بر این کاملاً مورد تایید حکومتی هستند. نقد و حمله به سنتهای عقب مانده اگر با پرده پوشی نقش دولت و سیاست دولتها و بدون توجه به سرچشمه این معضلات باشد، جز حمله به مردم و جز مقصر جلوه دادن مردم و جز مشروعیت دادن به

قتل نادیا، شاعر جوان در هرات، افغانستان را تکان داد. شوهرش به "لت و پار" کردن وی اعتراف کرد و نادیا در بیمارستان جان باخت. همسر او در خانه مشترکشان در هرات، نادیا را چنان مورد ضرب و شتم قرار داده بود که او در بیمارستان بر اثر این جراحات جان باخت.

نادیا بهنگام مرگ فقط ۲۵ سال سن داشت و بنا به اظهار نظر بسیاری از صاحب نظران، یکی از پیشروترین شاعران در افغانستان بود. نادبای جوان، متأسفانه نه اولین و نه آخرین قربانی خشونت خانگی است. روزانه هزاران زن در سراسر دنیا، در ایران و عراق و افغانستان، در لندن و پاریس و لس آنجلس و نیویورک و در همه جای این کره خاکی مورد خشونت قرار میگیرند. دامنه و ابعاد این خشونت متنوع و متعدد است. از زخم زبان زدن و تحقیر کردن، تا کتک زدن و زندانی کردن، از تجاوز کردن تا قتل ناموسی، همه و همه ابعاد خشونت در خانواده‌ها بر علیه زنان را بیان میکنند.

مرگ نادیا درست در شرایطی اتفاق افتاد که بحث در مورد موقعیت زنان در افغانستان، داغ بود. بسیاری از سازمانهای مدافع حقوق زن و یا سازمانهای دولتی که در افغانستان مشغول "کمک" به زنان بودند، از اینکه نتیجه کارشان در حد مطلوب نبوده و پیشرفت در موقعیت زنان افغانستان، در حد انتظار نیست حرف زدند و سوالی را در مقابل خود و جامعه طرح کردند: چرا پیشرفته‌ها در حد مطلوب نیست؟ و یک دستگاه کامل پخش تزویر و ریا و دروغ مجدداً به کار افتاد تا نشان دهد که عملی در کار

میگذارند. هر نوع بی حرمتی به زنان و کودکان در محدوده خانواده ها باید با بیشترین عکس العمل جامعه روبرو شده و مرد سالاری و شوینیسیم را باید با اتکا به فرهنگ و مناسبات پیشرو و قوانین مدافع حقوق انسان و حقوق زن از جامعه محو کرد.

مرگ نادیا یک واقعه تکان دهنده بود که یکبار دیگر عمق بی حقوقی و بی حرمتی زن در افغانستان را نشان داد. ولی مقصرین اصلی این اوضاع همان کسانی هستند که سالهای سال است بدلیل منافع اقتصادی و سیاسی خود، افغانستان را بسوی یک فاجعه سوق داده و تا همین امروز باعث مرگ میلیونها نفر در این کشور شده اند. قاتل نادیا طبعاً باید در یک دادگاه عادلانه و متکی بر قوانین و استانداردهای پیشرفته بین المللی محاکمه شود. چیزی که در افغانستان ابداً امکان پذیر نیست. ولی بیش از هر چیز باید به علت اصلی این اوضاع پرداخت و به راههای مقابله با قتلهای بعدی و خشونتهای بعدی بر علیه زنان. امری که فقط با مبارزه با دولتهای اسلامی و اسلام سیاسی و سیاست دولتهای غربی از یکسو و با مبارزه اجتماعی و علنی با افکار و عقاید عقب مانده و دفاع علنی از حرمت و حقوق انسانی زنان امکان پذیر است.

مرگ نادیا را به خانواده او و همه دوستداران وی تسلیت میگوییم. *

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.nerowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.international.org

رادیو انترناسیونال: هر شب ساعت ۹ تا ۳۰ دقیقه روی طول موج

کوتاه ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal



جنایتکاران اسلامی سر ۳ دختر دانش آموز در اندونزی را از تن جدا کردند

شنبه ۲۹ اکتبر، جنایتکاران اسلامی به دختران دانش آموزان یک خانواده مسیحی در دهکده ای بنام پوسو در اندونزی حمله کردند و سر ۳ دختر نوجوان را بطرز بی رحمانه ای از تن جدا کردند. این سه دختر نوجوان چنین فجیع به قتل رسیدند تا درخت مذهب و شریعت اسلام با خون به ناحق ریخته آنها آبیاری شود.

این یکی از آخرین جنایات وحشیانه اسلام سیاسی است. تروریستهای اسلامی کارشان کشتار مردم بی دفاع است. این جنایتان هر جا که بتوانند و امکانش را داشته باشند از متروهای اروپا و آمریکا تا مدارس روسیه، از دیسکوهای تل آویو تا خیابانهای عراق، از تهران تا شهرهای پاکستان، از رستورانهای ترکیه تا دهکده های اندونزی به خونریزی و قتل مردم مشغول هستند. جنایات اسلامی ها بدست از سوی مردم دنیا با اعلام محکومیت و انزجار روبروست. اسلام سیاسی یک کابوس برای

بشریت در سراسر جهان شده است. اسلام سیاسی چه در قدرت باشد و چه در اپوزیسیون، ترور رکن اصلی سیاست آن است. هر جا در قدرت اند، ترور ابزار اصلی شان در کنترل جامعه است و هر جا در اپوزیسیون قرار بگیرند، باز هم ترور و وحشت ابزاری برای سهم خواهی شان از قدرت است.

تروریسم اسلامی فاشیسم زمانه است. این فاشیسمی است که بر موج ضد کمونیستی دول غربی سوار شد و برای مهار آزادیخواهی و چپگرایی به جان مردم انداخته شد. اما گسترش انزجار عمومی علیه اسلام سیاسی این جریان را هرچه بیشتر در تنگنا قرار داده است. این جنبش را باید با قدرت درهم کوبید و بشریت را از تهدید وجود منحوس و هولناک آن خلاص کرد.

۲۷ سال پیش دول غربی زیر بغل این جانین را گرفتند و در ایران به آنها قدرت دادند تا بتوانند با استفاده از ظرفیتهای ارتجاعی شان انقلاب مردم را سرکوب کنند. اکنون

پس از یک تجربه هولناک این مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است که ضربه مهلکه ای را به اسلام سیاسی وارد خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری ایران با تشدید مبارزه علیه اسلام سیاسی در عرصه بین المللی، بشریت مترقی را فرا می خواند که از مبارزه نیروهای چپ و سکولار در کشورهای اسلام زده حمایت کنند تا زمینه های نابودی و اضمحلال این جنبش ارتجاعی با قدرت گرفتن آزادی خواهی، مدرنیسم و سوسیالیسم فراهم آید. ما در راس مبارزات کارگران و مردم زحمتکش ایران برای خلاصی از دست جمهوری اسلامی یکی از پایه های اصلی اسلام سیاسی را در هم خواهیم کوبید و این جنبش ارتجاعی را به شکست قطعی خواهیم کشاند.

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۸ نوامبر ۲۰۰۵، ۷ آبان ۸۴

اعتراض جمعی و همزمان کارگران چهار کارخانه و معلمان حق التدریس در برابر مجلس اسلامی

از صبح امروز چهارشنبه ۱۷ آبان کارگران کارخانه های "فرنج"، "نازنج" و "مدنج" قزوین و همچنین کارگران شرکت "ایران برك" رشت در اعتراض به نپرداختن دستمزدها و مزایای خود در برابر مجلس اسلامی تجمع اعتراضی را برپا کرده اند. صدها تن از کارگران در این اعتراض شرکت کردند. کارگران میگویند دستمزدهای آنان از ۳ تا ۳۰ ماه پرداخت نشده است. پس از ساعتی معلمان حق التدریس استان فارس نیز از راه رسیدند و به جمع کارگران معترض پیوستند. این اعتراض متحد و همزمان تا ارسال این گزارش و علیرغم بارش باران ادامه داشته است. کارگران و معلمان مدام شعار میدهند و خواهان پاسخگویی مقامات حکومت به خواستهای خود

هستند. کارگران و معلمان اعلام کردند که از وعده های توخالی خسته شده اند و تا رسیدن به خواستهای خود به اعتراض خویش ادامه خواهند داد. کارگران اعلام کردند که تا زمانی که در جلسه امروز مجلس اسلامی در خصوص پرداخت مطالبات کارگران اعم از دستمزدهای پرداخت نشده، تمديد نشدن دفترچه های بیمه، استرداد موجودی صندوق های پس انداز تعاونیهای مصرف و مسکن، موجودی اموال تاراج شده کارخانه تصمیمات قطعی گرفته نشود، از مقابل مجلس تکان نخواهند خورد و به شعار دادن و اعتراض خود ادامه خواهند داد. با ادامه اعتراضات ابوترابی نماینده قزوین در مجلس اسلامی در جمع کارگران حضور

یافت و وعده داد که در جلسه بعد از ظهر امروز به مسائل آنان رسیدگی خواهد شد. این وعده اما برای کارگران کافی نبود و کارگران خواهان تضمینهای مشخص برای عملی شدن خواستههایشان شدند. خواست معلمان از جمله استخدام رسمی است و میگویند علیرغم سالها سابقه کار همچنان با قراردادهای موقت به کار واداشته میشوند. بر نرده های مجلس اسلامی پلاکاردها و پارچه نوشته های متعددی که خواستهای کارگران و معلمان را بیان میکرد دیده میشد. صدای شعار دادن در زیر باران از فاصله دور بگوش میرسید.

حزب کمونیست کارگری ایران از اعتراضات و خواستهای کارگران نازنج و مه نخ و مدنج و ایران برك و

اعتراضات و زمینه های بروز آن خاک بپاشد. این اعتراضات نارضایتی مردمی را اعلام می کند که از فقر و بدبختی علیرغم ثروت و امکانات سرشار جامعه، به تنگ آمده اند. این اعتراضات مردم بر علیه دولتهایی است که وظیفه دفاع از نابرابریهای اجتماعی و دفاع از حریم مقدس سرمایه داری را بعهده گرفته اند. این اعتراضات علیه کسانی است که بجای اینکه نیازهای واقعی جوانان را با بکارگیری همه امکانات جامعه در خدمت رفاه و آسایش آنان پاسخ دهند، با پلیس و باتوم به جانشان می افتند. این اعتراضات، اعتراضی علیه تقسیم کردن انسانها به "مهاجر" و "بومی" و یک نتیجه بلافصل سیاست گتوسازی دولتهای اروپایی است. برافروخته شدن شعله های خشم جوانان فرانسه، اعتراضی علیه نظم حاکم بر این دنیا است. این اعتراض فقط به مناطق حاشیه نشین پاریس و یا حتی کشور فرانسه محدود نمی شود. این اعتراض جلوه ای از اعتراضات گسترده مردم دنیا بر علیه این وضع است که از تهران، تا پاریس و از آفریقا تا فلسطین و عراق و پاکستان و همه جا در جریان است.

اعتراض در شهرها و خیابانهای فرانسه، اعتراض مردم محروم علیه تبعیضات و شکافهای عمیق اقتصادی و اجتماعی است و

در صورتی که در طرح شعارها و خواستهای تظاهرات به روشنی بیان شود و اجازه داده نشود که جریانات اسلامی از این اعتراض سوء استفاده کنند، میتواند حمایت وسیع مردم را برانگیزد و به نتایج مثبتی دست یابد. برخورداری از یک زندگی شایسته، شغل مناسب و تامین زندگی بیکاران، پایان دادن به تبعیض، فقر زدایی، خاتمه یافتن خشونت دولتی و پلیس از جمله خواسته های این جنبش اعتراضی است و باید بر پرچم آنها حک شود.

این اعتراضات در عین حال نشان می دهد که جامعه چقدر به یک جریان کمونیستی نیرومند در سطح بین المللی نیازمند است تا بتواند نارضایی شهروندان علیه نظام سرمایه داری را سمت و سو دهد و اعتراضات آنها را در مسیر برچیدن این نظام ستمگرانه و استثمارگرانه و برقراری یک دنیای سوسیالیستی و آزاد رهبری کند. جهان بیش از هر زمان تشنه عدالت است. فقط سوسیالیسم میتواند راه نجات مردم از همه این بی عدالتیها باشد. مبارزه کارگران و مردم زحمتکش ایران تحت رهبری حزب کمونیست کارگری و استقرار یک جامعه آزاد و مرفه می تواند پرچم رهایی بشر را بر بام جهان برافرازد.

تشکلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ نوامبر ۲۰۰۵، ۱۷ آبان ۸۴

همچنین خواست معلمان حمایت میکند و همه کارگران و مردم را به حمایت از اعتراضات آنها فرا میخواند. حزب همه کارگران را به مبارزه ای مشترک و متحد علیه کارفرمایان و دولت و در اعتراض به نپرداختن دستمزدها و افزایش حداقل دستمزد فرا میخواند. اعتراض همزمان کارگران چهار کارخانه بهمهرا معلمان قدمی به پیش در مبارزات آنهاست. این اتحاد و مبارزه ای قاطعانه و مشترک را باید در سطح سراسری برای به کرسی نشاندن خواستهای به

حقوق کارگران و معلمان به جریان انداختن دستمزدها جرم است. تمام حقوق ها و مزایای پرداخت نشده باید فوراً پرداخت شود. حداقل دستمزد همه کارگران باید به ۴۵۰ هزار تومان افزایش یابد. تنها قدرت متحد کارگران و مبارزه رادیکال آنهاست که میتواند زورگویی حکومت اسلامی سرمایه داران و کارفرمایان را درهم بشکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آبان ۱۳۸۴ - ۸ نوامبر ۲۰۰۵

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران